



سرشناسه: عابدینی، محمدرضا، ۱۳۴۰ - عنوان و نام پدیدآور: مجموعه تا ابد زندگی / محمدرضا عابدینی؛ تحقیق و نگارش موسسه مطالعات اسلامی رواسی. مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف. مشخصات ظاهری: ج. ۱۷/۵۰/۲۴ س.م. شابک: ۹-402-441-600-978 وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: بالای عنوان: شرح احادیث کتاب الموت بحارالانوار. یادداشت: کتابنامه. مندرجات: ج. ۱. تولدی دیگر. -- عنوان دیگر: شرح احادیث کتاب الموت بحارالانوار. موضوع: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۰۳۷-۱۱۱۱ ق. بحارالانوار. نقد و تفسیر موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۱ -- نقد و تفسیر Hadith (Shiites) -- Texts -- 17th century. شناسه افزوده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۰۳۷-۱۱۱۱ ق. بحارالانوار. شرح شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف شناسه افزوده: موسسه مطالعات اسلامی رواسی رده بندی کنگره: BPI۳۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲ شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۳۸۶۶۱



تا ابد زندگی

تولدی دیگر

■ مؤلف: محمدرضا عابدینی ■ تحقیق و نگارش: موسسه مطالعات اسلامی رواسی ■ صفحه آرای: حسین قاسمیان ■ طراح جلد: جعفرپیشه (صریر) ■ شابک دفتر نشر معارف ■ نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۱-۶۰۰-۹۷۸ ■ قیمت: ۱۲۰/۰۰۰ تومان

دفتر نشر معارف قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۰۰۴

مؤسسه تمحیص: قم، خیابان سمیه، کوچه ۱۱، پلاک ۱۱، تلفن: ۰۲۵-۳۳۵۶۲۵۰

مدیریت پخش (مرکزی) قم، شرکت پاتوق کتاب، تلفکس: ۰۲۵-۳۳۵۶۲۵۰

مراکز پخش

- اراک: ۰۸۶-۳۲۲۲۹۰۲۸ ■ ارومیه: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۶۶ ■ اصفهان: ۰۳۱-۳۳۳۷۱۶۹۲ ■ اهواز: ۰۶۱-۳۳۳۳۸۰۰۰
- ایلام: ۰۸۶-۳۳۳۶۳۲۸۲ ■ بجنورد: ۰۵۸-۳۳۳۴۳۲۷۸ ■ بردسکن: ۰۵۱-۵۵۴۳۰۱۲۱ ■ بندرعباس: ۰۷۶-۳۳۶۱۷۵۵۷
- بیرجند: ۰۵۶-۳۳۴۳۵۱۲۳ ■ تربت حیدریه: ۰۵۱-۵۲۲۸۶۵۰۰ ■ تهران: ۰۲۱-۸۸۹۱۱۲۱۲ ■ رشت: ۰۱۳-۳۳۳۳۵۶۹
- زاهدان: ۰۵۴-۳۳۳۳۸۸۹۹ ■ زنجان: ۰۲۴-۳۳۳۶۶۴۲۵ ■ ساری: ۰۱۱-۳۳۳۵۳۰۲۰ ■ سبزوار: ۰۵۱-۴۴۲۲۰۰۴
- سمنان: ۰۲۴-۳۳۳۵۳۲۱۱ ■ سیرجان: ۰۲۴-۴۲۲۶۸۰۵۸ ■ شهرکرد: ۰۲۸-۳۳۳۵۰۰۰۴ ■ شیراز: ۰۷۱-۳۳۳۴۴۶۱۴
- قزوین: ۰۲۸-۳۳۳۴۰۰۷۶ ■ قم: ۰۲۵-۳۷۷۴۲۷۵۷ ■ کازرون: ۰۷۱-۴۲۲۴۴۳۰ ■ کرمان: ۰۳۴-۳۳۳۳۱۶۶۶
- کرمانشاه: ۰۸۴-۳۷۳۳۸۶۱۱ ■ گرگان: ۰۱۷-۳۳۳۳۷۸۰ ■ مشهد: ۰۵۱-۴۲۲۲۰۱۱۹ ■ ملایر: ۰۸۱-۳۳۳۳۱۲۷۶
- نیریز: ۰۷۱-۵۲۸۲۱۶۹۰ ■ یاسوج: ۰۷۶-۳۳۳۳۸۶۲۲ ■ یزد: ۰۳۵-۳۷۷۳۲۹۵۰

www.nashremaaref.ir : E-mail: info@nashremaaref.ir



www.Tambis.ir



کلیه حقوق برای موسسه مطالعات اسلامی رواسی محفوظ است.



فهرست

۳۵.....	مقدمه
۴۳.....	پیشگفتار
۴۵.....	معرفی کتاب حاضر
۴۶.....	تقدیر و تشکر

باب ۱:

«حکمة الموت و حقیقته و ما ینبغی أن یعبر عنه»

۳۹.....	※ جلسه اول (۱-۵۱).....
۴۹.....	مقدمه
۴۹.....	تقابل دنیا طلبی و معاد باوری
۵۰.....	مراتب انکار معاد
۵۱.....	ثمره فراموشی یاد مرگ
۵۱.....	نتیجه انکار معاد
۵۱.....	ضرورت یاد معاد
۵۲.....	معاد باوری، لازمه فهم عدل الهی
۵۳.....	طلیعه بحث موت

۵۳	مخلوقیت موت
۵۴	۱-۱. روایت اول باب اول
۵۴	متن روایت
۵۴	ترجمه روایت
۵۴	تقاضای برداشتن موت
۵۵	ثمره برداشتن موت
۵۶	حکمت موت
۵۶	۲-۱. روایت دوم باب اول
۵۶	متن روایت
۵۶	ترجمه روایت
۵۷	مخلوقیت موت
۵۷	تفاوت موت، فوت و وفات
۵۸	مخلوقیت موت
۵۸	مراتب موت و حیات
۵۹	مطهریت سكرات مرگ
۶۰	محقق شدن دو موت برای انسان
۶۱	۳-۱. روایت سوم باب اول
۶۱	متن روایت
۶۱	ترجمه روایت
۶۱	تعبیر صحیح برای موت مؤمن
۶۲	کیفیت جان دادن مؤمن
۶۲	علامت نفاق، هنگام مرگ
۶۳	۴-۱. روایت چهارم باب اول
۶۳	متن روایت
۶۳	ترجمه روایت
۶۴	آتش، عامل هضم غذا
۶۵	نور، عامل رؤیت و عمل انسان
۶۵	باد، عامل بویایی و شنوایی
۶۵	آب، عامل چشایی
۶۶	شان دنیوی و اخروی در انسان

۶۷	حقیقت موت
۶۷	هم سنخی روح و نور
۶۹	※ جلسه دوم (۱-۰۲).....
۶۹	مقدمه
۶۹	نتیجه انکار معاد
۷۰	ثمره معرفت به معاد
۷۰	معرفت حصولی مقدمه معرفت حضوری
۷۰	ثمره وجود معرفت حصولی و حضوری
۷۱	معاد، غایت نظام وجود
۷۲	لزوم حرکت مطابق غایت
۷۲	عواقب عدم تطابق با غایت
۷۳	حقیقت علم به معاد
۷۳	ادامه روایت چهارم باب اول
۷۳	حقیقت سمائی انسان
۷۴	حقیقت موت
۷۴	نزول شأن سمائی انسان
۷۴	حقیقت روحانی انسان
۷۵	عدم تبعیت بدن از روح
۷۵	عدم خستگی روح
۷۶	نزاع با بدن، مایه رشد
۷۶	حقیقت تنزل روح
۷۶	طهارت اولیه نظام روح
۷۷	تفاوت معاد اشیاء و انسان
۷۷	اختصاص بعث به انسان
۷۸	وقوع موت در سماء
۷۸	معنای ارضی و سمائی بودن
۷۸	تحقق موت با فعلیت همه قوا
۷۹	حقیقت ارض و سماء
۷۹	تحقق موت با فعلیت همه قوا

۸۰.....	سیر حرکتی انسان، نبات و حیوان
۸۰.....	موطن رجوع روح
۸۱.....	نعمت تجزیه جسد میت
۸۲.....	حرکت روح توسط نفس
۸۲.....	تفاوت نفس و روح
۸۳.....	زمان تعلق روح به بدن
۸۳.....	حقیقت نفس مؤمن و کافر
۸۴.....	کیفیت ایجاد نفس انسانی
۸۴.....	رابطه نفس و بدن
۸۵.....	حقیقت موت برای مؤمن و کافر
۸۵.....	۵-۱. روایت پنجم باب اول
۸۵.....	متن روایت
۸۶.....	ترجمه روایت
۸۶.....	علوطلبی انسان
۸۶.....	ذاتی بودن علوطلبی انسان
۸۶.....	نیازهای ملازم دنیا
۸۶.....	نیاز، منشأ تقرب
۸۷.....	گشایش در اوج نیاز
۸۷.....	نیاز، باب رحمت الهی
۸۸.....	ملاک نیازمندی انسان
۸۸.....	نیاز، عامل خضوع
۸۹.....	لزوم کنترل علوطلبی

باب ۲:

«علامات الکبر و أن ما بین الستین إلى السبعین معترك المنايا و تفسیر أرنل العمر»

۹۳.....	* جلسه اول (۲-۰۱)
۹۳.....	مقدمه
۹۳.....	مراتب موت و حیات جنین
۹۴.....	مراتب رشد و کمال انسان

۹۷.....	※ جلسه دوم (۲-۰۲)
۹۷.....	مقدمه
۹۷.....	نعمت بودن موت
۹۸.....	تفاوت طلب و استعداد موت
۹۹.....	اعلام قبلی موت
۹۹.....	نیازهای مقرب به خدا
۱۰۰.....	تفاوت متوسط عمر امت ها
۱۰۰.....	۷-۲. روایت هفتم باب دوم
۱۰۰.....	متن روایت
۱۰۰.....	ترجمه روایت
۱۰۰.....	سنّ اوج کمال
۱۰۱.....	محدوده سنّ رشد خاص
۱۰۱.....	سنّ شروع نقصان
۱۰۱.....	تحقق تدریجی موت
۱۰۱.....	تفاوت یاد و احساس موت
۱۰۲.....	قوت روح و زوال بدن
۱۰۳.....	تناسب موت با فرسودگی بدن
۱۰۳.....	موت و بعث دائمی
۱۰۳.....	مراتب موت و حیات
۱۰۴.....	جنبه انتقال موت
۱۰۵.....	نفخ و قبض دائمی
۱۰۵.....	تطبیق حرکت جوهری
۱۰۶.....	۸-۲. روایت هشتم باب دوم
۱۰۶.....	متن روایت
۱۰۶.....	ترجمه روایت
۱۰۶.....	ثمره ملکات دوران جوانی
۱۰۷.....	شکوفایی دائمی اعمال جوانی
۱۰۷.....	شکوفایی دائمی عمل حسنه
۱۰۸.....	اعتباری نبودن نظام اعمال
۱۰۹.....	امتنان در نظام عمل

۱۰۹.....	حقیقت عمل، قائم به انسان
۱۰۹.....	ملاک وسعت عمل
۱۱۰.....	۹-۲. روایت نهم باب دوم
۱۱۰.....	متن روایت
۱۱۰.....	ترجمه روایت
۱۱۰.....	پذیرش یا عدم پذیرش عذر انسان

باب ۳:

الطاعون و الفرار منه

۱۱۵.....	✽ جلسه اول (۳-۰۱).....
۱۱۵.....	مقدمه
۱۱۵.....	۳-۱. روایت اول باب سوم
۱۱۵.....	متن روایت
۱۱۵.....	ترجمه روایت
۱۱۶.....	ابتلاء عمومی به طاعون
۱۱۶.....	ستاربت خداوند در بلا
۱۱۷.....	رحمت و عذاب در بلا
۱۱۷.....	عدم شماتت فرد مبتلا
۱۱۸.....	بالاخرین بلای حضرت ایوب
۱۱۹.....	عدم شماتت فرد مبتلا
۱۱۹.....	عذاب و رحمت آتش جهنم
۱۲۰.....	۳-۱۰. روایت دهم باب سوم
۱۲۰.....	متن روایت
۱۲۰.....	ترجمه روایت
۱۲۱.....	ملاک تبزی از افراد
۱۲۱.....	مطهریت، بلا و امراض
۱۲۲.....	نعمت و نعمت خورشید
۱۲۳.....	تأثیر ابتلائات دنیوی کافر
۱۲۳.....	عدم تضییع استعداد توسط معصوم

باب ۴: حب لقاء الله و ذم الفرار من الموت

۱۲۷.....	※ جلسه اول (۴-۱).....
۱۲۷.....	مقدمه.....
۱۲۷.....	فطری بودن زبان روایات.....
۱۲۸.....	کفایت تنبّه در زبان فطرت.....
۱۲۸.....	رفع موانع با استغفار.....
۱۲۸.....	خودبرتربینی یهودیان.....
۱۲۹.....	احتجاج خداوند با مدعیان دروغین.....
۱۲۹.....	حریص بودن یهودیان.....
۱۲۹.....	نشانه حرص یهود.....
۱۳۰.....	تطابق عمل با اعتقاد حقیقی.....
۱۳۱.....	لقای الهی، رضایت دنیوی.....
۱۳۲.....	اطمینان به وعده‌های الهی.....
۱۳۳.....	مراتب لقاء الهی.....
۱۳۴.....	جدا شدن از دنیا.....
۱۳۴.....	مراتب لقای خداوند در دنیا.....
۱۳۵.....	۴-۱. روایت اول باب چهارم.....
۱۳۵.....	متن روایت.....
۱۳۵.....	ترجمه روایت.....
۱۳۵.....	تمنی موت اولیای الهی.....
۱۳۶.....	معنای تمنی موت.....
۱۳۶.....	رفع شدن موانع بعد مرگ.....
۱۳۷.....	۴-۲. روایت دوم باب چهارم.....
۱۳۷.....	متن روایت.....
۱۳۷.....	ترجمه روایت.....
۱۳۷.....	نزدیک شدن دائمی به مرگ.....
۱۳۷.....	موت اطرافیان، ظهور بقای خداوند.....
۱۳۸.....	دوست داشتن خدا انسان را.....

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي تجلي بذاته والصلوة على شواهد صفاته ومظاهر تجلياته سيما سيد الكونين وجامع المرتبتين وقائد النشاطين وخلاصة العالمين محمد المصطفى وآله وذريته مرآتي صفاته العليا وشواهد اسمائه الحسنی صلوة توازي حق إرشادهم وتكافي جزاء إحسانهم وارقادهم. همه هستی از خزائن الهی نازل و لباس تقدیرات را به تن پوشانده و در حدود و تعینات مخفی می شود، «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ».

انسان به عنوان خلیفه الهی، حامل امانت خدا و همه اسمای الهی است که همه ملائکه در خدمت او قرار گرفته و بر او سجده کردند و شیطان از امر الهی به سجده، سرپیچی کرد. در مرتبه خلقت «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ»^۱، تقدیر انسان، آمدن به دنیا و محدود شدن به همه حدود و تعینات عوالم وجود بود.

عالم وجود در بازگشت به سوی خداوند باید از این حدود و تعینات جداگشته و مرحله به مرحله و منزل به منزل به سوی وادی اطلاق و کرانه بی کران حرکت کند «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ»^۲.

۱. حجر (۱۵)، ۲۱.

۲. نین (۹۵)، ۴-۵.

۳. نحل (۱۶)، ۹۶.

حرکت از حدود و شکستن آنها، تقدیر همه موجودات مشهود و علوی و سفلی عوالم سماوات و ارض است «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى»^۱ که همه هستی مشهود در حالت جذبه، رهسپار غایتی است که از پیش او را می خواند و قوه ای که او را از پی می راند و قوایی که در این سفر، او را همراهی برای این حرکت می کنند. البته ملائکه حافظ و ملائکه رقیب و عتید و ملائکه دیگر و همچنین شیاطین و ... هر کدام به نحوی با این عصاره هستی در این سفر با او مرتبط می شوند.

نگاه با این افق که انسان از خزائن و اسمای الهی نشأت گرفته و در عین متعین شدن به همه حدود، دوباره به سوی خداوند رهسپار می شود - «مَا خَلَقْتُمْ لِقَاءِ بَلِّ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ وَإِنَّمَا تُنْقَلُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ»^۲ - رها شدن از حدود را مرزده می دهد که هر مرگی پاره کردن زنجیر حدی به سوی رهایی است و هر مرگی دو وجهه دارد که از منظر دنیایی، اجل و سرآمد و فراق و عدم و آلم است و از منظر الهی، قرب و وصال و کمال و نور و لذت و سرور است. هر خروجی، ورود است و با هر گسختنی، پیوستن و با هر فناپی، بقایی است؛ «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتُمْ مِنْهُ نُحِيدٌ»^۳.

انسان عرش نشین مسجود ملائک که در زمین به تن نشسته، لحظه به لحظه با اطاعت از اوامر الهی و مردن، از رها بودن از اراده خود، حیات به امر الهی پیدا می کند و با پیوستن به شئون ربوبی، غبار تن شسته و در یک خانه تکانی از دنیا، خیمه خود را بار دیگر در عالم قدس و نور به پا می کند که مرگ در آنجا ذبح شده و به حیات ابدی که دغدغه اساسی انسان است واصل می شود؛ «عِنْدَ مَا يَحُلُّ أَظْنَابُ خِيَامِ الدُّنْيَا وَيَشُدُّهَا فِي الْآخِرَةِ»^۴. با اینکه انسان از بدن آغاز می شود، ولی انسان بدون بدن، انسان است ولی به انسان بدون روح، فقط جسد اطلاق می شود.

صفات نقصی مربوط به بدن است که هر چه قوت تن و احکام آن در سیر صحیح الهی ضعیف تر شود، قوای روحی قدرتشان آشکارتر می شود؛ چنانچه خواب و موت از خصوصیات

۱. احقاف (۴۶)، ۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۵۸.

۳. ق (۵۰)، ۱۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۳۳.

بدن است که نفس آن را می چشد؛ «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»^۱. و نفس و روح انسان از امثال خواب و موت در امان است و آنچه که مربوط به نفس و روح است، توقی و قبض می باشد. انسان در هر نفس و هر شب و روز توقی و ارسال می شود؛ «اللَّهُ يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۲.

در سؤالی که از امام باقر (ع) می شود که موت چیست؟ می فرمایند: «هُوَ التَّوَمُّ الَّذِي يَأْتِيكَز كُلِّ لَيْلَةٍ إِلَّا أَنَّهُ طَوِيلٌ مُّدَّتُهُ لَا يَنْتَبَهُ مِنْهُ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳

و در تعبیر دیگر موت برای مؤمن، شستن چرک ها و آلودگی ها و درآوردن لباس های کثیف یا وارد شدن در حمام و نجات از هر غم و غصه و آلم و درد ذکر شده است یا رسیدن به هر سرور و فرح و آرزو و جدا شدن از رجم تنگ عالم طبیعت و ورود به عالم وسیع و عظیم و شیرین جنات الهی، و از زندان به قصر و پاره کردن زنجیرها و غل های سنگین و پوشیدن بهترین لباس ها و استشمام خوشبوترین گل ها و بهره مندی از بهترین امکانات است. مراتب عود در سیر معادی، مراتب موت و حیات به سوی لنگرگاه هستی که عالم آخرت است، می باشد.

اعتقاد به موت و لقای حق، اعتقاد به همه معارف دیگر را به دنبال می آورد؛ «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ • أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۴. «فَاعْرِضْ عَنْ مَن تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا • ذَلِكَ مَبْلَغُهُمُ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَن اهْتَدَىٰ»^۵

و در روایت وارد شده است که انسان وقتی استحقاق ولایت شیطان را پیدا می کند که آرزوهای دنیا جلوی چشمش قرار گیرد و یاد مرگ را فراموش کند.^۶ پس حقیقت مرگ جدا شدن از اغیار است و هر کس قبلاً از ناخالصی ها و اغیار جدا شده

۱. آل عمران (۳)، ۱۵۸.

۲. زمر (۳۹)، ۴۲.

۳. معانی الأخبار، ص ۲۸۹.

۴. یونس (۱۰)، ۷-۸.

۵. نجم (۵۳)، ۲۹-۳۰.

۶. بحار الأنوار ج ۶، ص ۱۲۶. «وَ قَالَ: إِذَا اسْتَحَقَّقْتَ وَلَايَةَ الشَّيْطَانِ وَ الشَّقَاوَةَ جَاءَ الْأَمَلُ بَيْنَ الْعَيْنَيْنِ وَ ذَهَبَ الْأَجَلُ وَ زَاءَ الظُّهْرِ»

و به هر مقدار خالص تر باشد، مرگ برای او ملایم تر است. البته مرگ فقط جدایی نفس از بدن نمی باشد که این هم مرتبه ای از آن است.

خدای سبحان با افعالش با ما سخن می گوید؛ به همین جهت تمام لحظات زندگی انسان و حوادث و وقایع، گفتگوی خدای سبحان با انسان است که باید رمزگشایی شود تا با این زبان انس بگیریم و مقصود خداوند را از مأموریت آن واقعه و حادثه برای خود بشناسیم تا مطابق آن عمل کنیم و در حرکت رجوعی، سرعت سیر پیدا کنیم.

پس موت نه فقط کاستن نیست؛ بلکه از ناخالصی ها پاک شدن و خالص شدن است و اگر گوش جان انسان باز باشد، هر دم و بازدمی و هر خواب و بیداری و ... خالص شدن بالاتری را در پی دارد؛ «إِنَّ زَآءَكُمْ الشَّاعَةَ تَخْذُوكُمْ تَحَقُّقُوا تَلَحُّقُوا»^۱.

عالم دنیا توان و استعداد جلوه گری حیات را ندارد و این همه آثار حیات در دنیا رشحه و نَمی از یم حیات است که در انتظار عالم انسانی است «إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَإِیَّ الْحَیْوَانُ»^۲. انسان به سوی حیات خالص بالاتر پیش می رود و ما هنوز درکی از حیات بدون موت و ناخالصی نداریم و الاشتیاق رفتن، آرامشمان را سلب می کرد نه ترس از رفتن.

رَجم دنیا با همه قواعد و سنن و راحتی ها و سختی ها و گردنه ها و به ظاهر گستردگی اش، آماده کردن انسان برای وصال و ورود به حیات آخرت است.

معاد باوری با این افق نگاه، تمام نظام تفکر و اعتقاد و روابط و افعال انسان را تحت تأثیر قرار داده و نسبت های وجودی ما را با اطراف و وقایع تصحیح می کند و عمق ارتباطات و اعمال را از دایره تنگ عمر حداکثر صد ساله و حیات دنیا به سمت حیات نامتناهی سوق می دهد و در یک بازه ابدی تعریف می کند.

یاد مرگ و آماده بودن و باور به آن، شناخت حقیقت خود و دل نبستن به اغیار، و قدر عمر را دانستن و صرف صحیح آن برای ابدیت، امری پسندیده است؛ اما ترس از مرگ و ناامید شدن و یأس و از کار افتادن، ناشایسته و از حيله های شیطان لعین است.

هر شب بانگ الرحیل به گوش می رسد و نفوس و ارواح، دسته دسته به عالم وحدت توفی و قبض می شوند و بار دیگر صبحگاهان، فوج فوج از عالم وحدت به کثرت روان می گردند، ولی

۱. نهج البلاغه، ص ۶۲.

۲. عنکبوت (۲۹)، ۶۴.

این پیمان و عهد در خاطره‌ها به خاطر کثرت اشتغال نمی ماند تا این که در وقت مرگ، با رفتن قطعی بدون بازگشت که مواجه می شود، تقاضای برگشتن می کند ولی با جواب «هرگز برگشتی در کار نیست»، با حسرت بازگشت مواجه می شود و پرونده عمل او بسته شده و ابدیت خود را با همه ذخایر عمرش و افکار و اعمال لحظه به لحظه اش در دفتر دل نگاشته و مانند دانه ای در مزرعه وجودش کاشته که از اجمال و بسته بودن، باز و منشور شده و دانه ها روییده و به ثمر می رسد «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ».

ولی راه به سوی اعمال جدید بسته شده و انقطاع اعمال سابق در کار است «إِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابٌ وَغَدًا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ»^۱

تأثیر عظیم غایت که همه چیز با رنگ آن معنی پیدا می کند؛ آن هم غایتی که غایت همه هستی و غایت انسان خلیفه الهی در هستی می باشد که معنی هر چیزی و هر کسی و هر کاری با این نگاه، واقعی می شود و الا وهمی و خیالی است.

سبک زندگی و چینش روابط بین انسان با خدا و هستی و انسان های دیگر بر این اساس سلوک در وادی حقیقت است و انسان را آماده ورود به آخرت می کند و ارزش و نقش معاد و معادباوری را در همه جهات زندگی درونی و بیرونی، فردی و اجتماعی و حتی ارتباط با محیط زیست و اشیای دیگر و در رأس همه ارتباط با خدای سبحان را روشن می کند؛ «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ دَسُّوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ»^۲

آنچه جامعه ما و بلکه جامعه انسانی امروز به آن نیازمند است، روح پیدا کردن زندگی است که همه چیز با قیاس به آن معنی پیدا می کند و راحت و سختی، معنای جدیدی می یابد و انسان، موجودی عظیم می شود که دنیا قیمت او نیست. گم شده امروز بشریت، باور به معاد است که همه دنیای او را به گونه ای آخرتی و زنده می کند که تازه می فهمد حیات انسانی چیست.

در پایان نکاتی قابل ذکر است:

۱. روایات معاد به صورت تفصیلی در کتاب بحار الأنوار علامه مجلسی رحمته الله علیه جلد های ششم و هفتم و هشتم وارد شده است که در سال ۸۵ با تقاضای جمعی از دوستان طلبه

۱. نهج البلاغه، ص ۸۴.

۲. حشر (۵۹)، ۱۹.

مباحثه‌اش آغاز شد و در طول چندین سال تا ۹۳ ادامه پیدا کرد و محفل انسی برای ارتباط با دوستان مشتاقی بود که هفته‌ای یک شب، کنار هم جمع می‌شدیم تا از معارف و اخلاقیات و دستورات عملی روایات در این باب بهره‌مند شویم و ذره‌ای از گنجینه عظیم معارف نورانی روایات را بجشیم. البته همان طور که دائماً در جلسات گوشزد می‌شد، قرار نبود بحث‌ها به صورت صرفاً نظری و معرفتی بیان شود، بلکه همان طور که در زلال کلمات حضرات علیهم‌السلام وارد شده، با آمیختگی کامل بین علم و عمل همراه باشد. به همین جهت بسیاری از سؤالات به سمت و سوی عملی سوق داده می‌شد. به برکت همین روایت خوانی هفتگی که به صورت متفرق توسط دوستان مختلفی ضبط شده بود، توسط دوستان محقق از مدرسه علمیه مشکاة جمع آوری شده و پیاده و منظم شد و با صرف وقت بسیار و همت مثال زدنی، محصولات مختلفی از آن قابل برداشت شد که جامع‌ترین آن همین مجموعه است که به صورت سلسله وار درس‌ها و طبع نظم روایات بحار تدوین شده که در ابواب موت و معاد آماده نشر است.

بر خود لازم می‌دانم که از زحمات‌های بسیار زیاد دوستان محقق مشتاق روایات مدرسه مشکاة بالخصوص آقایان حاجج الاسلام علیزاده، مفیدی، حاجی پور، معدنی پور، اکرمی و دیگر دوستانی که در تنظیم این اثر کوشا بودند کمال تشکر را داشته و آرزوی معاد باوری برای خود و همه مؤمنین را از کلمات نورانی حضرات معصومین علیهم‌السلام داریم.

۲. فاصله طولانی چندساله بین مباحث، گاهی لزوم تکرار بعضی از بحث‌ها را به دنبال داشته و البته تلاش شد که تکرار مخّل نباشد و گفتاری بودن کلمات تا حدودی اصلاح شود ولی سعی شده قالب کتاب به صورت گفتاری و درسی و تابع نظم روایات کتاب بحارالأنوار باشد.

۳. از زحمات‌ها و همکاری مدیریت محترم مدرسه مشکات علی بن موسی الرضا، حجت الاسلام والمسلمین قاسمیان و طلاب فاضل و محقق تشکر وافر داشته و همچنین از مسئولین دفتر نشر معارف بالخصوص جناب آقای پیرمردیان در استقبال از موضوع و اقدام و تشویق برای نشر، کمال سپاس را داریم.